

مختصری از شرح حال بودا

بودائیزم

شرح حال بودا و عقاید بودائیهها بسیار جالب و خواندنی است.

بیروان این مذهب بیشتر در هندوستان و چین و ژاپون زندگی میکنند و ما با درج شرح زندگی بودا در این شماره و عقاید و افکار و عادات و رسوم بودائیهها در شماره های آینده، این جمعیت را با خوانندگان نامه پشوتن آشنا میسازیم.

کلمه بودا یعنی «نور روشن» و این شخص موجود کم و بیش تاریخی میباشد گرچه تصورات و تخیلات عمومی هندوها چنانکه در سایر حالات زندگی شان نیز مشهود است با افسانه هائیکه اختراع کرده اند، بودا را يك موجود افسانه آمیز جلوه گر ساخته اند ولی میشود گفت که همه افسانه هائیکه مربوط به بوداست از يك شخص تاریخی یعنی بودا سرچشمه گرفته است.

عناصر تاریخی در افسانه بودا - منابع

موتقی از زندگی بودا معلوم میدارد که وی در قرن ششم قبل از میلاد میزیسته، در آن زمان ملت هند به تیره هائی تقسیم شده بود که بعضی از آنها دارای شاه و بقیه از حکومت اشرافی تشکیل میگرفتند بدین طریق که مردم از طبقه اشراف برای خود حکمرانی انتخاب میکردند.

«سودانا» Suddhodana یکی از قبائل اشرافی هند بود، از زن اول این شخص طفلی بنام سیدارتا Siddharta که همان بودا باشد متولد شد. این شاهزاده از همان اران کودکی دارای فکری بلند بود، کتابهای مقدس و مذهبی را با کمال دقت مطالعه میکرد ولی از عملیات نظامی که مورد علاقه شدید قبیله اش بود خوش نیامد و بیشتر اوقاتش را بتفکر میگذراند، موضوعیکه بیشتر ویرا مشغول میداشت فقر، مرض، پیری و ضعف و بالاخره مرگ بود. دائم فکر میکرد و در پی چاره جوئی میگشت و علاج آنها را میجست.

موضوع دیگری که مغزش را فشار میداد خود خواهی مفرط و تکبر بسی اندازه روحانیان

قومش بود، اطلاع و اعتقاد وی بتساوی بشر او را بر علیه ادعاهای بی جای روحانیان و مقدسین که خود را حتی از خدایان آسمانی نیز بالا تر دانسته و آنها را تحت قدرت خود میشمردند بر میساختند و با این طرز تفکر که روحانیان داشتند زندگی مذهبی و اجتماعی بحال وقفه ورکود در آمده بود. البته در میان خود برهنه ها توجه زیادی به بحث و پیشنهادات و موضوعات خارج از مذهب میشد. ولی اصولاً مردم مفهوم اصلی مذهب را کم کرده بودند، بروحانیان پول نقد و طعام فراوان میدادند حیوانات را در جلو خدایان قربانی میکردند و خصوصاً قربانی بمنظور رستگاری بشر بیشتر مورد تنقیر بودا بود. طبع غمخوار او نمیتوانست ریختن خون هارا بنام مذهب تحمل کند و از خدایانیکه تشنه خون بودند بدش میآمد.

سودانا پسر فکورش را بانظر ترس مینگریست او مایل بود که شاهزاده زمامدار و سرباز باشد نه يك فرد گوشه نشین و چون گمان برد که ازدواج و پرا پابند زندگی مادی خواهد کرد ترتیب عروسیش را با یسودارا yasodara دختر دانداپانی را فراهم نمود ولی دانداپانی که خود سربازی دلیر و ماهر و طالب دایمادی قوی بود در صورتی حاضر شد دختر خود را بیودا بدهد که لیاقت خود را در سربازی ثابت نماید پس مسابقه ای بدین منظور برگزار کردند و بودا بخوبی از عهده آن برآمد بنابراین با یسودارا ازدواج نمود ولی این ازدواج هم نتوانست مشکل را حل کند برای بودا چندان لذتی نداشت و او را بیشتر بترک اینقسم زندگی تشویق نمود، بیشریکه از جاده حقیقت بخاطر خوشیهای خیالی دور میشد بانظر رحم و شفقت مینگریست و چون یافتن راه حلی برای این ناملایمات نییافت عذاب میدید و شب و روز فکر میکرد؛

لذا بید در بار پرا پست میشمرد، بزندگی مرتاضین غبطه میخورد و چون خبر تولد پسرش را شنید بخود گفت «افسوس که اشکال جدیدی باشکالاتم افزوده گشت» بالاخره این قسم زندگی را بیش از

چیزی جز تاکید در طرز فکر هندوها نیست. در حقیقت مذهب بودا يك انقلاب مذهبی بر علیه مذهب هندو نبود بلکه معترض با احکام اجتماعی هندوها بشمار میرفت اگر بودا عقاید و احکام خود را بدون اعتراض و با تصویب اختلاف طبقاتی بیان کرده بود برهنه ها تعلیمات بودا را قبول میکردند بودا اساس اجتماعی هندوها را با قبول نکردن اختلاف طبقاتی بکلی متزلزل ساخت و برای همیشه دشمن برهنه شناخته شد مدتی چنین بنظر میرسید که مذهب بودا در مقابل مقاومت هندوها موفقیت حاصل نموده و در سرتاسر هندوستان مستقر میگردد.

سه قرن قبل از میلاد در تحت فرمانروایی «اشوکا» شاهزاده ای که بعد از فتوحات درخشان مذهب بودا را قبول کرده بود مذهب بودائی در هند بمنتهای جلال و عظمت خود رسید ولی پافشاری زیاد آنها در کمال مطلوب تکامل، قدرت بیشتر رفت این مذهب را محدود ساخت مثلا زندگی زناشویی امری بیهوده جلوه گر شد و معا بد تحت لوای شاهزادگان بطور افسانه آمیزی متحول و در ضمن محل اشخاص بیکار، شارلاتان و شهوت پرست شد و واقعاً بعضی از این دیرها تبدیل بفارهای پرا از فحشاء و گناه گردیده بود و دست هادی چون بودا و اشوکا هم نبود که آنها را هدایت کند.

فساد و انحطاط اخلاقی بودائیهها فرصتی به برهنهها داد تا فعالیت شدیدی برای احراز مقام اولیه خود شروع نمایند، موفقیتشان ناگهانی بود و در مدت کمی توانستند بودائیهها را از سرزمین اصلیشان کوچ دهند. افسانه های جالب بودائیهها افسانه هائی هستند که مربوط بزندگی بودا و بسیار شیرین و جذاب میباشد و در شماره های بعد بتدریج درج خواهند شد.

آن توانست تحمل کند پس تصمیم بترکش گرفت و با وجود مخالفت ها و التماسهای والدین و زن و بستگانش بالاخره از لذایذ دنیوی چشم پوشید و راه بیابان پیش گرفت.

سالیانی چند شاگرد استادانی برهنه مذهب شد و در اطراف تعلیمات مذهبی ایشان تعمق کرد و چون آنها را نیز ناقص یافت مجدداً سر به بیابان نهاد و مصمم شد بتهنایی مقصد راجستجو کند.

مدتی با تقلید از طرز زندگی و پیروی از دستورات مرناضین هندی بفرافرفتن معنویات کوشید ولی اینکار بدون اینکه رشد فکر برایش ایجاد کند از جسمش کاست لذا ریاضت جسمانی را ترک گفت و از آن ببعد بتقویت جسم خود کوشید و خوراک منظم و متوی خورد.

پس از سالها تفکر و سرگردانی و از بی مقصود دویدن، بالاخره رمز زندگی را یافت و راه حلی پیدا کرد پس بشهر بازگشت و راه رستگاری را برمردم نشان داد و ایشان را تبلیغ نمود بسیاری از اشراف و شاهزادگان و پیروان برهنه را بمقیده خویش در آورد و شاگردان بسیار خوبی دور خود جمع کرد.

از لحاظ علوم و افکار ماوراء الطبیعه بودائیزم با هندوئیزم اختلافی ندارد و نسبت آنها چون نسبت بین مذهب عیسوی و یهودی است. در تناسخ هم پیروی یک عقیده هستند. کلمه نیروانا «نجات روح» از مذهب هندو گرفته شده است هر چند عقیده نجات روح در مذهب بودا منفی و مذهب هندو مثبت است ولی عقیده هردو براینست که برای آزادی روح شخصیت فردی را باید ناچیز شمرد.

راجع بقواعد و اصول اخلاقی مذهب بودا، در کتب مقدس هندو بقدر کافی زمینه وجود دارد. حتی بدینی که یکی از مشخصات مذهب بوداست

اگهی

نمایندگان مجله پشوتن در رشت آقای هاتقی و در مشهد بندها مطبوعاتی

کوتمبرك آقای کاشی چی میباشد.